

بار شیشه و رفتار نسجیده...



احمد زیدآبادی

نویسنده و مشاور هم‌میهن

وقتی پای حمل بار شیشه در میان باشد، حاملان آن لازم است کمال حزم و احتیاط را به خرج دهند وگرنه بارشان به مقصد نمی‌رسد. همینطور اگر جامعه و کشوری در شرایط تهدید جدی یا وجودی قرار گیرد، نیروهای سیاسی و اجتماعی و عموم نهادهای حکومتی باید در رفتار و گفتار بسیار سنجیده و سنگین و محتاط عمل کنند، وگرنه کشور به خطر می‌افتد و جامعه به فنا می‌رود. در این روزها آیا فرد مطلعی در داخل و خارج از حکومت وجود دارد که منکر «حساسیت» شرایط ایران باشد و اوضاع را عادی و طبیعی بداند؟ بعید می‌دانم چنین فردی یافت شود به خصوص وقتی که علی لاریجانی در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی به صراحت اوضاع کشور را حساس و خطیر توصیف کرده است. اگر حساس و خطیر بودن شرایط ایران امری مورد اجماع است، پس چرا کسانی که آقای لاریجانی آنان را «اعمالی سیاسی» نام نهاده، متناسب با چنین وضعیتی حرف نمی‌زنند و عمل نمی‌کنند؟ طبق یک ضرب‌المثل عامیانه، «حرمت امامزاده با متولیان آن است»، بنابراین رعایت الزامات وضعیت خطیر و حساس، در درجه نخست متوجه آن بخش از افرادی است که در نهادهای رسمی مسئولیتی دارند و یا به نحوی به دوایر و سازمان‌های حکومتی وابسته هستند.

با این حال، نیروهای فعال در سطح جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی، به‌رغم آسبایی که از شرایط حاکم بر کشور می‌بینند و انتقادات و اعتراضاتی که نسبت به آن دارند، تاکنون در مجموع بر خورد مسئولانه‌تری در برابر شرایط خطیر کشور از خود نشان داده و با خویشنداری بیشترین ناراضیاتی خود را مطرح کرده‌اند حال آنکه در دوایر حکومتی صداهای تشنج‌آفرین و بحران‌زا، بسیار بلندتر از جاهای دیگر است و بعضاً به رفتارهای تحریک‌آمیز هم کشیده می‌شود. این صداهای مخصوص در بین برخی نمایندگان مجلس، شماری از ائمه جمعه و افسراد ذینفوذی که خود را «مدافع نظام» می‌نامند و گاه از پشت تریبون‌های علنی تهدید به «کندن پوست از سر» بخشی از زنان کشور می‌کنند، چنان بازتابی در جامعه پیدا می‌کند که گویی هدفی جز ایجاد تشنج و بحران در این شرایط خطیر

در میان نیست. همینطور گاهی رفتارهای غیرمترقبه‌ای از سوی نهادهای رسمی صورت می‌گیرد که به سختی می‌توان دلایل موجهی برای آنها پیدا کرد. برای نمونه، در روزهای اخیر خبر بازداشت شماری از «پژوهشگران چپگر» بازنتاب و واکنش گسترده‌ای در داخل و خارج ایران پیدا کرده و خودش به سوژه‌ای برای دامن زدن به تشنج روانی تبدیل شده است. در بسیاری از کشورهای جهان، بازداشت بدون مقدمه و ناگهانی به صورت دسته‌جمعی، معمولاً در مورد گنگ‌های جنایتکار یا هسته‌های تروریستی اعمال می‌شود. در سایر موارد حتی اگر پای اتهامی جدی در میان باشد، یک‌رویه‌روال قضایی تعریف شده و مشخص که با ملامت بسیار همراه است، در پیش گرفته می‌شود. حال پرسش افکار عمومی این است که مگر چند پژوهش‌گر دارای گرایش چپ مشغول چه کاری بوده‌اند که این نوع بازداشت ناگهانی و جمعی ضرورت پیدا کرده است؟ اینکه تصور شود آنان در حال برنامهریزی برای ایجاد شورش‌های ناشی از فقر بوده باشند، کاملاً دور از ذهن است چون افرادی از این‌قبیل از توانایی‌ها و امکانات ضروری بخصوص تشکیلات لازم‌برای عملی کردن چنین برنامه‌هایی برخوردار نیستند. در یک فرض حداکثری، آنان ممکن است بنا به علایق و گرایش‌های چپ خود، چنین موضوعاتی را به بحث گذاشته و یا در موردش حرف زده باشند. آیا به فرض صحت چنین امری، بازداشت ناگهانی به‌صورتی که در خبرها آمده است، موجه می‌شود و یا اینکه اسباب نامی روانی جامعه را فراهم می‌آورد.

در ماه‌های گذشته، مسئولان قضایی بارها نسبت به ایجاد نامنی روانی در جامعه هشدار داده و برخی از کنشگران سیاسی و اجتماعی را به صرف نشر خبری ناقص یا کذب، تحت تعقیب قرار داده‌اند. حال آنها خود می‌توانند با یک نظرسنجی غیرعلنی، نسبت میزان نامنی روانی جامعه از انتشار یک خبر کذب و بازداشت ناگهانی جمعی از کنشگران حوزه‌های مختلف را به‌صورتی دقیق دریابند. واقعیت این است که بسیاری از افراد جامعه از این نوع رفتارها نه‌فقط رنجیده‌خاطر بلکه از درک آن هم در مانده می‌شوند. اینها درست همان کارهایی است که بخصوص در این شرایط باید به شدت از آن اجتناب شود. همانطور که پیش از این گفته شد، «شرایط خطیر و حساس» گفتار و رفتار بسیار سنجیده از سوی همگان به‌ویژه نهادهای حاکم دارد. رفتار نسنجیده فقط شرایط را حساس‌تر و مخاطره‌آمیزتر می‌کند و این هم به سود ایران و جامعه آن نیست. اقصی‌فی‌المشیک و اقصی‌من صؤتک! این پیام مباره‌روی و ملامت باید سرلوحه عمل همه‌انتهایی قرار گیرد که کشور را در معرض تهدیدی جدی یا وجودی می‌بینند.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

گزارش

یک



عکس: Getty Images

جنگجوی پیر

درباره دیک چنی معاون رئیس جمهور در دولت بوش که دیروز درگذشت

آمریکا، در سال ۲۰۲۰ از جو بایدن دموکرات حمایت کرد و در انتخابات ۲۰۲۴ حامی کامالاهریس بود چون منتقد سیاست‌های ترامپ بود.



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

معاون رئیس جمهور و وزیر دفاع پیشین آمریکا، در سن ۸۴ سالگی درگذشت. دیک چنی در دوران بوش پدر وزیر دفاع بود و در دوران بوش پسر، تمام هشت سال را به عنوان معاون خدمت کرد و بیش از هر چیز به عنوان یکی از معماران جنگ علیه ترور شناخته می‌شود که آمریکا بعد از حملات ۱۱ سپتامبر به راه انداخت. ناظران و تحلیلگران، چنی و دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا (۲۰۰۱-۲۰۰۶) را دو پایه اصلی طراحی سیاست امنیتی دولت بوش می‌دانند.

او حامی پروپاقرص حمله نظامی آمریکا به عراق و افغانستان بود و هیچ‌وقت از تأثیری که بر این اقدام کشورش گذاشت، احساس پشیمانی نکرد. نه فقط عراق و افغانستان، که او طرفدار حمله نظامی به ایران هم بود. مرد پشت‌پرده بوش، معمار جنگ عراق، قدرتمندترین معاون رئیس جمهور در تاریخ آمریکا و حامی شیوه‌های بازجویی خشونت‌آمیز، بعضی اقلیتی است که رسانه‌ها برای توصیف او استفاده می‌کردند. او جمهوری خواهی بود که بر خلاف رویه حزبی

عراق و جاه‌های نفت

آمریکا در سال ۲۰۰۳ یعنی ۱۲ سال بعد از درگیری با صدام در جریان جنگ اول خلیج فارس، تحریم، ایجاد منطقه پرواز ممنوع، بازرسی‌های تسلیحاتی و تحولات دیگر، بالاخره به عراق حمله کرد؛ در حالی که دو سال از حمله آن‌ها به افغانستان در پاسخ به حملات ۱۱ سپتامبر گذشته بود. در یک بازه زمانی و با فاصله‌ای کوتاه دو حکومت در آسیا توسط آمریکایی‌ها ساقط شدند و دیک چنی یکی از نظریه‌پردازان جنگ جدید بود. اما سوال این است که چرا نام چنی با جنگ عراق گره خورده؟ چنی از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ یعنی همان روزی که نامش به عنوان نامزد معاونت ریاست جمهوری در کنار جورج بوش پدر مطرح شد، مدیرعامل و عضو هیئت مدیره غول نفتی هالیبرتون بود. اینجا نقطه‌ایست که به زعم تحلیلگران آمریکایی، قصه چنی با عراق گره می‌خورد. آن‌ها معتقدند که چنی با نقش آفرینی در طراحی حمله به عراق نه تنها منافع هالیبرتون، بلکه منافع غول‌های نفتی آمریکا را مد نظر قرار داد. یک سال بعد از حمله به عراق و زمانی که بوش برای تمدید حضور خود کاندید مبارزه می‌کرد، این موضوع به

بازداشت فعالان چپ

بررسی بر خورد با جامعه شناسان و اقتصاددانان

پریسا هاشمی

گزارشگر هم‌میهن

دوشنبه ۱۲ آبان امسال انتشار اخباری از بازداشت و احضار چند تن از جامعه‌شناسان و اقتصاددانان چپ با بهت و پرسش در فضای رسانه‌ای و دانشگاهی همراه شد. آن‌هم در شرایطی که دولت مسعود پزشکیان بر «وفاق ملی» تأکید دارد و شنیدن اظهارنظرهای معترضان داخلی. هر چند بازداشت‌های سیاسی یا امنیتی در مقاطع گوناگون تاریخی پدیده‌ای غریب نیستند، اما تکرار و گستردگی آن‌ها در مقاطعی خاص، نشانه‌ای از وضعیت خاصی در فضای سیاسی و اجتماعی جامعه تلقی می‌شود. بررسی این پدیده نه از منظر سیاسی و جناحی، بلکه از دیدگاه اجتماعی و نهادی می‌تواند ابعاد عمیق‌تری از پیامدهای آن را آشکار سازد؛ پیامدهایی که در نهایت بر اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی و پویایی جامعه تأثیر می‌گذارد. در سال‌های اخیر، تحولات اجتماعی و اقتصادی موجب افزایش کنشگری در لایه‌های مختلف جامعه شده است. گروه‌های مدنی، فعالان صنفی، روزنامه‌نگاران و حتی شهروندان عادی از طریق شبکه‌های مجازی امکان بیان دیدگاه‌ها و مطالبات خود را یافته‌اند.

در چنین شرایطی، خطر گسست ارتباط میان جامعه و ساختار رسمی افزایش می‌یابد. موج جدید بازداشت‌ها را باید نه یک رویداد سیاسی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی دانست که پیامدهای بلندمدتی بر کنشگری مدنی و ساختار اعتماد عمومی دارد. هر اندازه که بر خوردهای سخت‌گیرانه می‌توانند در کوتاه‌مدت از بروز برخی ناآرامی‌ها جلوگیری کنند، در بلندمدت ممکن است به اعتراضاتی از جنس ۱۴۰۱ بیانجامد.

دوشنبه روز بازداشت‌ها

دوشنبه روزی بود که ۳ نفر بازداشت و یک نفر احضار و وسایل یک نفر ضبط شد. بیشتر این افراد فعالان چپ بودند که احضار یا دستگیر شدند.

نیروهای امنیتی شیرین کریمی، مترجم را در منزلش بازداشت کردند و تفتیش خانه‌اش؛ کتاب‌ها و وسایل الکترونیکی او را هم ضبط کردند. علت دستگیری کریمی هنوز اعلام نشده است. او متولد ۱۳۶۲ و دارای کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران است. کریمی در سال ۱۳۹۶ با همکاری حمیدرضا جلاتی پور، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، کتاب «جوانی در سیاست فقط یک کلمه است» را منتشر کرد.



مهسا اسدالله‌نژاد، جامعه‌شناس و پژوهشگر نیز در خانه پدر و مادرش بازداشت و وسایل الکترونیکی او نیز ضبط شد. علت دستگیری او نیز هنوز مشخص نشده است. او متولد ۱۳۶۹، دانش‌آموخته‌ی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس است. اسدالله‌نژاد در پایان‌نامه دکتری به مطالعه تاریخ شکل‌گیری دولت جمهوری اسلامی، از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ پرداخته است.

پرویز صداقت، سردبیر مجله نقد اقتصاد سیاسی نیز بازداشت شد و مأموران صبح دوشنبه با مراجعه به منزل او و پس از تفتیش منزل‌اش، او را بازداشت کردند. هنوز از علت بازداشت او اطلاعی در دست نیست. او



اقتصاددان، پژوهشگر اقتصاد سیاسی، مترجم و مدیر گروه اقتصاد سیاسی سایت انسان‌شناسی و فرهنگ است. علاوه بر آن صداقت سردبیری روزنامه‌های «سرمایه»، «ماهنامه بورس» و «فصلنامه حسابدار رسمی» را بر عهده داشته است.

محمد مالجو، اقتصاددان و پژوهشگر اقتصاد سیاسی است که برای پاره‌ای توضیحات به یکی از نهادهای امنیتی مراجعه کرده است. وسایل الکترونیکی او نیز ضبط شده است. مالجو به واسطه پژوهش‌های انتقادی درباره تاریخ اقتصادی ایران به‌ویژه پس از انقلاب شناخته شده است. در سال‌های اخیر نیز درباره تاریخ اجتماعی مستندان در ایران طی ادوار قبل از انقلاب تحقیق کرده است.



وسایل الکترونیکی و کتاب‌های **همین رحیمی، نویسنده و مترجم** ضبط شده است. مأموران پس از نشان دادن حکم قضایی، اقدام به بازرسی کامل خانه کرده و لپ‌تاپ، تلفن همراه و تعدادی از کتاب‌های این نویسنده ۲۷ ساله را ضبط کردند. ترجمه‌ها و نوشته‌های رحیمی در سایت نقد اقتصاد سیاسی منتشر می‌شد.



تضعیف امنیت حرفه‌ای و روانی پژوهشگران

انجمن جامعه‌شناسی ایران پس از احضار و بازداشت برخی جامعه‌شناسان، نگرانی خود را ابراز کرده و نوشت: «در شرایطی که جامعه ایران با دشواری‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و نیز تهدیدهای بیرونی مواجه است، انتشار اخباری مبنی بر احضار یا بازداشت شماری از جامعه‌شناسان و پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی، مایه نگرانی عمیق جامعه علمی کشور است. علوم اجتماعی در همه جوامع به‌مثابه وجدان نقاد جامعه و یاریگر سیاست‌گذاران در درک واقعیت‌های پیچیده اجتماعی عمل می‌کند. تضعیف امنیت حرفه‌ای و روانی پژوهشگران این حوزه نه تنها به زیان جامعه علمی، بلکه به زیان کل جامعه است که بیش از هر زمان دیگر به تحلیل‌های واقع‌بینانه و سیاست‌های مبتنی بر دانش نیاز دارد. انجمن جامعه‌شناسی ایران با ابراز نگرانی از این رویدادها، بر ضرورت حفظ امنیت، آرامش و آزادی اندیشه و بیان برای اعضای جامعه علمی کشور تأکید می‌کند و امید دارد مسئولان امر، با درایت و تدبیر، شرایطی را فراهم آورند که ضمن آزادی سریع این پژوهشگران و محققان، اهالی علم بتوانند در فضایی امن و دور از اضطراب به رسالت علمی و اجتماعی خود در خدمت به کشور ادامه دهند.»

مسئولان متوجه زیان‌های جبران‌ناپذیر باشند

شیرین احمدنیا، رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره احضار و بازداشت پژوهشگران تأکید کرد: «از احضار یا بازداشت دوستان اطلاعات کافی نداریم. اما گمانه‌زنی‌ها مبنی بر این است



برجام سایبری؟

نقدی بر جهت‌گیری‌های خبری صداوسیما در باره فیلترینگ و پیامدهای اجتماعی آن

عبدالرضا خزایی

روزنامه‌نگار

شبکه یک سیما در برنامه‌ای با رویکردی عجیب و قابل تأمل، تلگرام را به عنوان عامل افزایش جرم و جنایت معرفی کرد و حتی مدعی شد که کانال‌های آن تعیین‌کننده قیمت دلار هستند. هم‌زمان، رفع فیلترینگ این پیام‌رسان با عنوان «برجام سایبری» مطرح شد؛ ترکیبی از تحلیل سطحی و شعار سیاسی که بیش از هر چیز نمایانگر سردرگمی و فقدان استراتژی روشن در سیاست‌گذاری رسانه‌ای است. این نحوه مواجهه با یک پدیده خصوصی و اجتماعی، نشان می‌دهد که رسانه ملی به جای انجام وظیفه خود یعنی ارائه تحلیل‌های مستند و اطلاع‌رسانی دقیق، تلاش دارد با ابزارهای هیجانی و ساده‌سازی مسائل پیچیده، ذهن مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد و گفت‌مان عمومی را به نفع روایت‌های یک‌سویه مدیریت کند.

تلگرام، یک شرکت خصوصی بین‌المللی است و فعالیت آن تابع قوانین داخلی کشورها و مقررات بین‌المللی شرکت‌هاست. مقایسه آن با پدیده‌ای دولتی و بین‌المللی مانند برجام، نه علمی است و نه منطقی. این گونه ساده‌سازی‌ها، ضمن ایجاد تصویری غلط در ذهن مخاطب، به کاهش اعتماد عمومی و تحریف واقعیت‌های اجتماعی منجر می‌شود. رسانه ملی که باید به عنوان نهادی مسئول، نقش تحلیلگری و روشنگری داشته باشد، با چنین اقدامات جهت‌دار، نه تنها از مسیر اطلاع‌رسانی شفاف خارج می‌شود، بلکه اعتماد مخاطب را نیز به چالش می‌کشد. سیاست‌های محدودکننده‌ای که سال‌ها بر دسترسی به پیام‌رسان‌ها اعمال شده‌اند، خود نشانه‌ای از اتخاذ تصمیمات ناکارآمد و غیرشفاف در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات است؛ تصمیماتی که محدودیت دسترسی، پیام‌الشدن حقوق دیجیتال شهروندان و کاهش سرمایه اجتماعی را به دنبال داشته است و اکنون با ارائه چنین تحلیل‌هایی، تلاش می‌شود این محدودیت‌ها توجیه‌پذیر جلوه داده شود. در حالی که مخاطب در مقام تصمیم‌گیرنده فرض می‌شود و جایگاه واقعی خود در فرآیند تصمیم‌سازی نادیده گرفته می‌شود.

ادعای برنامه‌مبنی بر آنکه کانال‌های تلگرام قیمت دلار را تعیین می‌کنند، نه تنها فاقد تحلیل اقتصادی مستند است، بلکه نمونه‌ای از تقلیل واقعیت‌های پیچیده اقتصاد ایران به یک عامل ساده و غیرواقعی است. بازار ارز تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل متنوع است؛ از سیاست‌های پولی و مالی بانک مرکزی گرفته تا جریان سرمایه، تورم، تحولات بین‌المللی و شرایط سیاسی-اقتصادی داخلی. نسبت دادن نوسانات بازار به یک پیام‌رسان خصوصی، نه تحلیل اقتصادی است و نه اطلاع‌رسانی؛ بلکه ابزار خلق هیجان، بحران‌سازی و جهت‌دهی به افکار عمومی است. رسانه ملی در این میان وظیفه دارد با ارائه تحلیل‌های دقیق، متکی بر داده‌های واقعی و کارشناسی، افکار عمومی را روشن سازد و از انتشار گزاره‌های غیرمستند که می‌تواند موجب تشویش اذهان و گسست اجتماعی شود، خودداری کند.

تشبیه رفع فیلتر تلگرام به «برجام سایبری» نیز نمایانگر یک سوبرداشت اساسی از ماهیت پدیده‌های خصوصی و دولتی است. برجام، نتیجه فرآیند دیپلماتیک، تصمیمات حاکمیتی و توافقات بین‌المللی است؛ در حالی که تلگرام یک شرکت خصوصی است که فعالیت آن مبتنی بر قوانین داخلی و